

پیش بینی اختلال نافرمانی مقابله ای بر اساس سبک های فرزندپروری، صفات شخصیتی و ویژگی کمال گرایی والدین

رقیه عبدالحمیدی^۱
صادق تقی لو^۲
محسن جدیدی^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش بینی اختلال نافرمانی مقابله ای بر اساس سبک های فرزندپروری، صفات شخصیتی و ویژگی کمال گرایی والدین بود. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه کودکان ۷ تا ۱۰ سال شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸ بودند. تعداد ۲۵۰ نفر به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری پژوهش پرسشنامه های علائم مرضی کودکان (گادو و اسپرافکین، ۱۹۹۴)، سبک های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۹۱)، صفات شخصیتی نئو (مک کری و کاستا، ۱۹۹۲) و کمالگرایی (فراست و همکاران، ۱۹۹۰) بود. پایایی پرسشنامه ها با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار آن برای هر چهار پرسشنامه بالای ۰٫۷ به دست آمد. همین طور از روایی محتوا به منظور آزمون روایی پرسشنامه استفاده شد، که برای این منظور پرسشنامه ها به تأیید متخصصین مربوطه رسید. تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار SPSS-22 در دو بخش توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت. نتایج تحلیل داده ها نشان داد سبک فرزندپروری مستبدانه ۱۷٪ و روان آزرده خوبی می تواند ۲۴٪ به صورت مثبت و معنا دار، متغیر برون گرایی و سازش پذیری به ترتیب ۱۹٪ و ۲۳٪ به صورت منفی و معنا دار، همچنین نگرانی درباره اشتباهات، شک درباره اعمال، انتقادگری والدینی و استانداردهای شخصی به ترتیب ۱۳٪، ۲۴٪، ۳۴٪ و ۲۸٪ به صورت مثبت و معنا دار قادر به پیش بینی متغیر نافرمانی مقابله ای هستند ($P < 0,05$). بنابراین بر اساس یافته های پژوهش حاضر، نافرمانی مقابله ای در کودکان با سبک های فرزندپروری، صفات شخصیتی و ویژگی کمال گرایی والدین رابطه دارد و می تواند توسط آن پیش بینی شود.

واژه های کلیدی: نافرمانی مقابله ای، سبک های فرزندپروری، صفات شخصیتی، کمال گرایی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس، تهران، ایران azita.abd@gmail.com
۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا، آستارا، ایران (نویسنده مسئول) sadeght81@gmail.com
۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرقدس، تهران، ایران jadidi.mohsen@gmail.com

مقدمه

اختلال نافرمانی مقابله‌ای^۱، به یک الگوی خلق خشمگین/تحریک پذیر، منفی، نافرمان و خصمانه نسبت به دیگران اشاره دارد که باعث اختلال عملکردی می‌شود و این الگو حداقل به مدت ۶ ماه ادامه پیدا می‌کند (انجمن روانپزشکی آمریکا^۲، ۲۰۱۳). اختلال نافرمانی مقابله‌ای یکی از شایع‌ترین اختلالات در بین کودکان خردسال است (گومز و استاوروپولوس^۳، ۲۰۱۹)؛ گاهی این اختلال با اختلال کاستی توجه-بیش‌فعالی همراه است، کودکان با تشخیص اختلال لجبازی و نافرمانی به ندرت ممکن است تنها این اختلال را داشته باشند. ۳۰ تا ۴۰ درصد این کودکان مبتلا به اختلال کاستی توجه - بیش‌فعالی هم هستند، همچنین سایر اختلالات عصب شناختی را هم دارند (عبداللهی بقرآبادی، ۱۳۹۷). رفتار مقابله جویانه اغلب بخشی از دوره رشد طبیعی کودکان دو تا سه ساله و اوایل دوره نوجوانی است ولی شیوع این اختلال در مطالعات مختلف ۲ تا ۱۶ درصد گزارش شده است (چن، لین، هیث و دینگ^۴، ۲۰۲۰). کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای ترکیبی از اختلالات عاطفی و رفتاری را آشکار می‌کنند (و اغلب علائم روانی مانند علائم افسردگی و رفتارهای پرخاشگرانه را همزمان انجام می‌دهند (دری، لاپالم، جاگیلویکس، پویرر، تمچف و تاپین^۵، ۲۰۱۷). مانتی، گیوانون و سوگوس^۶ (۲۰۱۹) در پژوهش خود نشان دادند والدین الکلی و پدرهایی که درگیری قانونی داشتند ۱۸ درصد شانس ابتلا و یا شانس شروع اختلال لجبازی و نافرمانی را در کودکان خود بیشتر می‌کنند. کالوب، رپورت و الکساندر^۷ (۲۰۲۰) نیز فقدان مهارت‌های فرزندپروری، برقراری نظم و انضباط خشک و شدید، حمایت ناکافی، سوء استفاده جسمی و جنسی از کودک، فقر و تهی دستی، سوء مصرف مواد توسط والدین یا مراقبان اصلی کودک را جزو عوامل خانوادگی موثر در ایجاد این اختلال بر شمرده است.

از جمله علل مهم این آسیب را محققان بسیاری، عوامل خانوادگی می‌دانند (هی، سو، جیانگ، کوین، چی و لین^۸، ۲۰۲۰؛ لیو، لین، ژو، ژو، لی و لین^۹، ۲۰۱۷). تحقیقات و بررسی‌ها حاکی از آن است که عوامل خانوادگی در شکل‌گیری خصوصیات تربیتی کودکان، الگوی تربیتی حاکم بر خانواده سهم بسزایی دارد. بامریند (۱۹۶۰) چهار الگوی فرزندپروری^{۱۰} را معرفی کرد؛ (۱) فرزندپروری مقتدرانه (مبتنی بر محبت و قاطعیت): این روش موفق‌ترین روش فرزندپروری است که پذیرش و روابط نزدیک، روش‌های کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می‌شود. والدین مقتدر، صمیمی، دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند، آنها قاطع هستند اما دخالت‌گر و محدود کننده نیستند. (۲) فرزندپروری آسان‌گیرانه (مبتنی بر محبت

1. Oppositional Defiant Disorder
2. American Psychiatric Association
3. Gomez & Stavropoulos
4. Chen, Lin, Heath & Ding
5. Déry, Lapalme, Jagiellowicz, Poirier, Temcheff & Toupin
6. Manti, Giovannone & Sogos
7. Calub, Rapport & Alexander
8. He, Su, Jiang, Qin, Chi & Lin
9. Liu, Lin, Zhou, Zhou, Li & Lin
10. Parenting pattern

و عدم قاطعیت): در این سبک والدین مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند، کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آنها اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند حتی وقتی که هنوز قادر به انجام آن نیستند. (۳) فرزندپروری مستبدانه (مبتنی بر عدم محبت و قاطعیت): این روش از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است والدین مستبد سرد و طردکننده هستند. (۴) فرزندپروری طردکننده یا بی‌اعتنا (مبتنی بر عدم محبت و قاطعیت): در این روش پذیرش و روابط پایین کنترل کم و بی‌تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن وجود دارد. این والدین اغلب از لحاظ هیجانی جدا و افسرده هستند و دقت و انرژی کمی برای فرزندان صرف می‌کنند. در حالی که این والدین نیازهای پایه‌ای فرزندان را برآورده می‌کنند اما عموماً از زندگی فرزندان گسسته هستند. محققین عقیده دارند که اکثر کودکان مبتلا به اختلال رفتاری در الگوی سوم و چهارم یعنی خانواده‌های سرکوب‌گر و طردکننده بزرگ می‌شوند (رفاهی و طاهری، ۱۳۹۸). در همین رابطه نتایج پژوهش پوراکیران، محمدی قره‌قوزلو و ملاجباری (۱۳۹۴)، نشان داد که رابطه معناداری بین سبک فرزندپروری مستبدانه والدین و اختلال نافرمانی مقابله‌ای در فرزندان وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که از میان سه سبک فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیر) فقط سبک مستبدانه از توان پیش‌بینی اختلال نافرمانی مقابله‌ای برخوردار است. از دیگر عوامل خانوادگی اثرگذار بر اختلال نافرمانی مقابله‌ای، ویژگی‌های شخصیتی^۱ والدین است. تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که اختلالات رفتاری کودکان ارتباط تنگاتنگی با مشکلات روانی والدین دارد. هر چه قدر مشکلات روانی والدین شدیدتر باشد ظهور اختلال‌های رفتاری کودکان سریع‌تر خواهد بود و مثلاً به طور خاص اختلالات شخصیتی مادران ممکن است بر ایجاد و گسترش اختلال نافرمانی مقابله‌ای و تحریک اختلالات کنترلی تأثیر بسزایی داشته باشد. (دی لا اوسا، پنلو، ناوارو، تریپات و ازپلتا،^۲ ۲۰۱۹). مطالعات کاریج، هرماندز، مورتی و پیپر^۳ (۲۰۲۰) نشان داد که چنانچه مادری دچار افسردگی شدید یا اختلال وحشت باشد، کودک احتمالاً دچار مشکلات رفتاری - هیجانی خواهد شد. در تحقیقی گرین به این نتیجه رسید، مادری که از روحیه‌ای ضعیف برخوردار است احساس درماندگی می‌کند و دچار احساس خشم و افسردگی می‌شود و همین حالات در فرزند به طور مستقیم تأثیرگذار خواهد بود (گرین، ۲۰۰۱). همچنین مادران پر استرس ممکن است توانایی مراقبت‌های لازم برای رشد عاطفی و اجتماعی و شناختی کودکان نداشته باشند و همین امر بر اختلالات رفتاری و روانی کودک تأثیرگذار باشد (چادهوری، بهاتاچاریا و ساها،^۴ ۲۰۲۰). در همین رابطه نتایج پژوهش ولج و ریپلی^۵ (۲۰۱۹) نشان دادند که کیفیت روابط والدین و فرزند در ایجاد مشکلات رفتاری نقش مهمی دارد و نتایج بیان می‌کنند کودکانی که علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای بیشتری دارند، مراقبان با سبک دلبستگی ناامن و کیفیت روابط بدتر با مراقبان خود داشته‌اند. اصغری شریبانی و عطادخت (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتایج دست یافتند که سه عامل آسیب‌پذیری و اختلالات والدین، والدگری

1. Personality characteristics
2. de la Osa, Penelo, Navarro, Trepata & Ezpeleta
3. Craig, Hernandez, Moretti & Pepler
4. Chaudhury, Bhattacharya & Saha
5. Welch & Liperi

آشفته و ویژگی‌های شخصیتی کودک در ایجاد نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای موثرند. یکی دیگر از عواملی که احتمال دارد بر اختلال نافرمانی مقابله‌ای تاثیرگذار باشد کمال‌گرایی^۱ والدین است. کمال‌گرایی یک سازه شخصیتی است و با ویژگی‌هایی همچون تلاش برای کامل و بی‌نقص بودن و تعیین معیارهای بسیار عالی و افراطی در عملکرد همراه با گرایش به ارزیابی انتقادی رفتار مشخص می‌شود. رویکرد‌های متفاوت در مورد کمال‌گرایی، آن را سازه‌ای تک بعدی معرفی کرده‌اند. هویت و فلت با نظر به کمال‌گرایی در ساختار اجتماعی، سه بعد کمال‌گرایی خود محور، کمال‌گرایی دیگر محور و کمال‌گرایی جامعه محور را متمایز کردند. کمال‌گرایی خود محور با تمایل به وضع معیارهای غیر واقع بینانه برای خود و تمرکز بر نقص‌ها و شکست‌ها در عملکرد همراه با خود نظارت‌گری‌های دقیق مشخص می‌شود. کمال‌گرایی دگر محور بیانگر تمایل به داشتن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران است و کمال‌گرایی جامعه محور به احساس ضرورت رعایت معیارها و برآورده ساختن انتظارات تجویز شده از سوی افراد مهم به منظور کسب تایید اطلاق می‌شود (امامی پور، کوشکی و سبزمیدانی، ۱۳۸۹). بنابراین با توجه به اهمیت نقش سبک‌های فرزندپروری، صفات شخصیت و ویژگی‌های کمال‌گرایی والدین بر اختلال نافرمانی مقابله‌ای، بر آن هستیم تا به این سوال پاسخ دهیم که آیا سبک‌های فرزندپروری، صفات شخصیتی و ویژگی‌های کمال‌گرایی والدین، اختلال نافرمانی مقابله‌ای را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش پژوهش

این پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از حیث روش به دست آوردن داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی و بر مبنای نوع داده‌های گردآوری شده از نوع کمی است. جامعه آماری شامل کلیه کودکان ۷ تا ۱۰ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۸ بود که ۲۵۰ نفر از کودکان در دسترس انتخاب شد. بر اساس پرسشنامه علائم مرضی کودک فرم معلم که توسط معلمان تکمیل شد ۲۵۰ کودک انتخاب شدند که در مقیاس نافرمانی مقابله‌ای فرم معلم پرسشنامه علائم مرضی کودک نمرات بالاتر از نمرات معیار برش داشتند. سپس ابزارهای پژوهش و پرسشنامه علائم مرضی کودک فرم والدین به صورت بسته‌های پستی به این دانش‌آموزان داده شد و از دانش‌آموزان خواسته شد تا پرسشنامه‌ها را به مادران خود بدهند. در مجموع ۲۵۰ مادر که فرزندانشان در مقیاس نافرمانی مقابله‌ای نمرات بالاتر از نمرات معیار برش داشتند (معیار ورود به پژوهش) به عنوان نمونه در این پژوهش انتخاب شدند. برای مشخص شدن حجم نمونه از فرمول تعیین حجم نمونه در رگرسیون ($> 8N + M50$) استفاده شد. M معادل تعداد متغیر پیش‌بین است (تباچینگ و فیدل، به نقل از امینی، و سادات خشویی، ۲۰۰۷). در این پژوهش سه متغیر وجود داشت بنابراین، به حداقل ۲۵۰ شرکت‌کننده نیاز است.

ابزارهای پژوهش

الف. پرسشنامه علائم مرضی کودک (CSI-4): یک مقیاس درجه بندی رفتار است که اولین بار در سال ۱۹۹۴ توسط گادو و اسپرافکین بر اساس طبقه بندی ویراست چهارم دستنامه

1. Perfectionism

تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی طراحی شد. فرم والدین دارای ۱۱۲ سوال است که برای ۱۱ گروه عمده و یک گروه اضافی از اختلال‌های رفتاری تنظیم شده است. در پژوهش حاضر از سوالات مربوط به گروه (C-B-A) که مربوط به سه نوع اختلال مجزای نارسایی توجه و فزون کنشی، اختلال نافرمانی مقابله‌ای و اختلال رفتار هنجاری را می‌سنجد استفاده شد. هر یک از عبارات مذکور، در یک مقیاس چهار درجه‌ای هیچ‌گاه، به ندرت، گاهی اوقات و بیشتر اوقات به ترتیب با کدهای ۰، ۱، ۲، ۳ نمره گذاری می‌شوند که از حاصل جمع نمرات عبارات، نمره شدت علامت به دست می‌آید. در این پژوهش نیز از روش نمره شدت علامت استفاده شد. در پژوهشی که توسط گرایسون و کارلسون (۱۹۹۱)، بر روی این ابزار انجام گرفت، پایایی آن برای اختلال نافرمانی مقابله‌ای، اختلال رفتار هنجاری و اختلال نارسایی توجه-فزون کنشی به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۷۷ و ۰/۹۳ گزارش شد. پژوهش محمد اسماعیلی و علیپور (۲۰۰۲) در زمینه اعتبار این آزمون بیانگر اعتبار بالای آن است که بالاترین اعتبار مربوط به اختلال رفتار هنجاری با ضریب اعتبار ۰/۷۶ بوده است. همچنین آلفای کرونباخ نمره کل این مقیاس در مطالعه ایشان ۰/۸۱ به دست آمد.

ب. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری: این پرسشنامه توسط بامریند (۱۹۹۷) برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده از آن به شیوه آزادگذاری مطلق^۱، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی^۲ و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، سه نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. در ایران اسفندیاری پایایی بازآزمایی این ابزار را برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است. حسینی دولت‌آبادی و سعادت (۱۳۹۱) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه این پرسشنامه را بررسی و ساختار سه عاملی آن را تایید کرده‌اند. بر اساس مطالعه آن‌ها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ۴۵/۱ درصد، سبک مستبدانه ۴۱/۷ درصد و مقتدرانه ۴۴/۳ درصد کل واریانس مقیاس فرزندپروری را تبیین می‌کند. بعلاوه بار عاملی سوالات روی هریک از زیر مقیاس‌ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۷۴ گزارش شده است که نشان‌دهنده روایی مطلوب این ابزار است. همچنین آن‌ها ضریب پایایی کلی این ابزار را ۰/۷۱ و برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۲، سبک مستبدانه ۰/۶۲ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند.

ج. پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت^۳: برای اندازه‌گیری پنج عامل بزرگ شخصیت، از فرم ۶۰ سؤالی پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت که کاستا و مک کری^۴ (۱۹۸۹) تهیه و آماده اجرا نموده‌اند استفاده شد. این پرسشنامه دارای مقیاس پاسخگویی پنج درجه‌ای (کاملاً

1. Permissive
2. Authoritarian
3. Big Five Factor Personality Questionnaire
4. Costa & McCrae

موافقم تا کاملاً مخالفم) است و پنج عامل روان رنجورخویی (در برابر ثبات روانی و هیجانی)، برونگرایی (در برابر درونگرایی)، تجربه‌پذیری (در برابر خشکی و انعطاف‌ناپذیری)، توافق‌پذیری (در برابر خودشیفتگی) و وظیفه‌شناسی (در برابر سهل‌انگاری) را سنجش می‌کند. کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ مقیاس‌های این پرسشنامه را به این ترتیب گزارش دادند: روان رنجورخویی برابر با ۰/۹۳، برونگرایی برابر با ۰/۹۰، تجربه‌پذیری برابر با ۰/۸۹، توافق‌پذیری برابر با ۰/۹۵ و وظیفه‌شناسی برابر با ۰/۹۲ می‌باشد. آنها همچنین ضرایب روایی^۱ این پرسشنامه را از ۰/۵۶ تا ۰/۶۲ گزارش نموده‌اند. نسخ متعددی از این پرسشنامه در ایران ترجمه و آماده اجرا شده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). کیامهر (۱۳۸۱) که نسخه‌ای از این پرسشنامه را برای اجرا در بین دانشجویان ترجمه و آماده اجرا کرد، روایی همزمان^۲ بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه را برای پنج عامل بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۱، پایایی بازآزمایی^۳ ۰/۶۵ تا ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ^۴ خرده مقیاس‌ها را بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۹ گزارش کرده است (کیامهر، ۱۳۸۱).

د. مقیاس کمالگرایی چند بعدی: مقیاس کمالگرایی چند بعدی فراست (۱۹۹۰) که بر اساس مفهوم چند بعدی کمالگرایی طراحی شده، ۳۵ گویه و ۶ بعد یا زیرمقیاس را در بر می‌گیرد. این زیرمقیاس‌ها، شامل نگرانی درباره اشتباه‌ها، تردید درباره کارها، انتظارات والدینی، انتقادگری والدینی، معیارهای شخصی و نظم و سازمان دهی می‌باشد (استویر، ۱۹۹۸). ماده‌های پرسشنامه، در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ برای «کاملاً مخالفم» تا ۵ برای «کاملاً موافقم» پاسخ دهی و نمره گذاری می‌شوند. اعتبار همگرایی پرسشنامه طبق همبستگی با پرسشنامه کمالگرایی مثبت و منفی اعتبار مناسبی گزارش شده است (تری شورت و همکاران، ۱۹۹۵). در پژوهش‌های داخلی برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسشنامه، لیاقت و قاسمی (۱۳۹۳) ضریب همسانی پرسشنامه را ۰/۸۱۹، اعتبار همگرایی پرسشنامه را در همبستگی آن با پرسشنامه اضطراب امتحان، ۰/۲۸۷ و در سطح ۰/۰۰۱ معنادار گزارش نمودند. ساختار شش عاملی استاندارد پیشنهاد شده توسط فراست و همکاران نیز در این پژوهش مورد تایید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS-۲۲ در دو بخش توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته‌های پژوهش

قبل از بررسی فرضیه‌ها نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد توزیع داده‌های متغیرهای پژوهش نرمال می‌باشد و بنابراین از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. جدول ۱ نتایج آزمون K-S در مورد داده‌های پژوهش در قالب سوالات مربوط به «سبک‌های فرزندپروری»، «صفات شخصیتی» و «کمالگرایی والدین» را نشان می‌دهد:

1. validity coefficients

2. validity

3. test-retest reliability

4. Cronbach's alpha

جدول ۱. توزیع نرمالیته متغیرها

Sig	کولموگروف-اسمیرنوف Z	متغیرها
۰,۰۶۲	۱,۳۵۹	فرزندپروری مستبدانه
۰,۰۶۱	۱,۲۳۶	فرزندپروری مقتدرانه
۰,۰۵۸	۱,۰۶۸	فرزندپروری سهل گیرانه
۰,۰۲۸	۱,۱۹۸	نافرمانی مقابله‌ای
۰,۰۶۵	۱,۴۲۳	برون گرایی
۰,۰۷۴	۱,۱۳۶	سازش پذیری
۰,۰۶۸	۱,۳۵۰	وظیفه شناسی
۰,۰۷۴	۱,۳۲۹	روان آزرده خوبی
۰,۰۷۱	۱,۷۹۸	پذیرا بودن
۰,۰۵۶	۱,۰۱۱	کمال گرایی

نتایج این آزمون نشان می‌دهد سطح معناداری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰,۰۵ است لذا فرضیه نرمال بودن متغیرها مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۲. خلاصه مدل پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای با سبک‌های فرزندپروری

مدل	R	R ^۲	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	.۵۰۸ ^a	۰,۲۵۸	۰,۲۳۸	۰,۶۸۴

جدول ANOVA نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به طور معناداری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. معناداری ستون آخر (Sig) نشان می‌دهد مدل به کار رفته، پیش‌بینی کننده خوبی برای متغیر وابسته یعنی نافرمانی مقابله‌ای می‌باشد. بر اساس نتایج آنوا در جدول ۳ مدل طراحی شده از معنی‌داری مناسبی برخوردار است.

جدول ۳. نتایج آنوا پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای با سبک‌های فرزندپروری

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
رگرسیون	۲,۹۱۳	۳	۰,۹۷۱	۲,۷۳۵	۰,۰۴۴
باقی مانده	۸۷,۳۳۱	۲۴۶	۰,۳۵۵		
مجموع	۹۰,۲۴۴	۲۴۹			

جدول ۴. ضرایب مدل پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای بر اساس سبک‌های فرزندپروری

Sig	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	Std.Error	
۰,۰۰۰	۹,۶۵۱		۰,۲۰۴	ثابت
۰,۰۰۶	۲,۷۶۶	۰,۱۷۵	۰,۰۴۵	فرزندپروری مستبدانه
۰,۵۶۸	-۰,۵۷۱	-۰,۰۳۹	۰,۰۴۲	فرزندپروری مقتدرانه
۰,۹۶۱	۰,۰۴۹	۰,۰۰۳	۰,۰۵۱	فرزندپروری سهل‌گیرانه

ضریب بتا به دست آمده نشان می‌دهد سبک فرزندپروری مستبدانه ۰,۱۷ به صورت مثبت و معنادار ($Sig < ۰,۰۵$) قادر به پیش‌بینی متغیر نافرمانی مقابله‌ای هستند.

جدول ۵. خلاصه مدل پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای بر اساس صفات شخصیت

مدل	R	R ^۲	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰,۵۲۹	۰,۲۷۹	۰,۲۶۶	۱,۵۸۱

جدول ANOVA نشان می‌دهد که آیا مدل رگرسیون می‌تواند به طور معنا داری (و مناسبی) تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند. معناداری ستون آخر (Sig) نشان می‌دهد مدل به کار رفته، پیش‌بینی کننده خوبی برای متغیر وابسته یعنی نافرمانی مقابله‌ای می‌باشد. بر اساس نتایج آنوا در جدول ۶ مدل طراحی شده از معنی‌داری مناسبی برخوردار است.

جدول ۶. نتایج آنوا پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای بر اساس صفات شخصیت

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
رگرسیون	۷,۹۴۴	۵	۱,۵۸۹	۴,۷۱۰	۰,۰۰۰
باقی‌مانده	۸۲,۳۰۰	۲۴۴	۰,۳۳۷		
مجموع	۹۰,۲۴۴	۲۴۹			

جدول ۷ ضرایب به دست آمده را برای رگرسیون نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده صفات شخصیتی تبیین‌کننده‌های معناداری برای پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای کودکان هستند.

جدول ۷. ضرایب مدل پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای بر اساس صفات شخصیت

Sig	t	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		Beta	Std.Error	
۰,۶۰۹	۰,۵۱۲		۰,۹۱۱	ثابت
۰,۰۰۱	-۵,۶۲۲	-۰,۱۹۲	۰,۲۸۷	برون‌گرایی
۰,۰۰۲	-۴,۶۱۴	-۰,۲۳۹	۰,۱۴۸	سازش‌پذیری
۰,۱۴۰	۱,۴۷۹	۰,۹۳	۰,۰۷۶	وظیفه‌گرایی
۰,۰۰۰	۳,۹۸۹	۰,۲۴۷	۰,۱۳۱	روان‌آزرده‌خویی
۰,۱۱۰	-۱,۶۰۵	-۰,۱۰۲	۰,۴۳	پذیرا بودن

ضریب بتا به دست آمده نشان می‌دهد روان‌آورده‌خویی می‌تواند ۲۴٪ قادر به پیش‌بینی متغیر نافرمانی مقابله‌ای به صورت مثبت و معنادار ($Sig < 0,05$) هستند؛ متغیر برون‌گرایی و سازش‌پذیری نیز توانستند به ترتیب ۱۹٪ و ۲۳٪ از تغییرات نافرمانی مقابله‌ای را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی نماید ($Sig < 0,05$).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی نافرمانی مقابله‌ای بر اساس سبک‌های فرزندپروری، صفات شخصیتی و ویژگی‌های کمال‌گرایی والدین انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه به صورت مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی متغیر نافرمانی مقابله‌ای هستند. این یافته‌ها همسو با نتایج ساطوریان و همکاران (۱۳۹۵)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۴) و ولچ و ریپلی (۲۰۱۹) بود که نشان دادند سبک‌های فرزندپروری می‌تواند به صورت معناداری نافرمانی مقابله‌ای را پیش‌بینی نماید. در تبیین این یافته‌ها باید گفت سبک اقتدارگرایانه را می‌توان فراهم کردن یک شیوه تربیت روشن و جدی دانست که ویژگی آن، استدلال، انعطاف‌پذیری و گفتگوی کلامی است. والدین مقتدر حد و مرزهایی را تعیین می‌کنند و اقدامات فرزندان خود را کنترل می‌کنند، اما در عین حال روابط کلامی خوبی با فرزندان برقرار می‌کنند و والدین برای رسیدن به اهداف تربیتی خود از استدلال استفاده می‌کنند، اما رفتار آنها فقط بر اساس خواسته‌های کودک را تنظیم نمی‌کنند. این روش باعث افزایش مسئولیت، استقلال، سازگاری اجتماعی و اعتماد به نفس در کودکان می‌شود. والدینی که شیوه استبدادی را در پیش می‌گیرند، بسیار کنترل‌کننده هستند و از کودکان انتظار اطاعت بی‌چون و چرا دارند. این سبک با کناره‌گیری و عدم دلبستگی والدین به کودک، فقدان گرمی در روابط و استفاده والدین از تنبیه برای کنترل رفتار کودک مشخص می‌شود. به گفته بامریند (۱۹۶۷) والدین سعی می‌کنند نگرش و رفتار کودک را با استانداردهای کاملاً انتزاعی کنترل کنند. در این سبک تعامل یک طرفه بین والدین و کودک وجود دارد، به طوری که والدین راهنمایی در نظر گرفته می‌شود که نگرش‌ها و رفتارهای کودک را کاملاً تعیین می‌کند و به هیچ وجه بر کودک موثر نیست. والد مستبد برای بدست آوردن اطاعت کامل استقلال کودک را محدود می‌کند. والدین آزاد روحیه انتظارات و خواسته‌های بسیار کمی از فرزندشان دارند و معتقدند فرزندشان می‌تواند رفتار آنها را هدایت کند. این والدین از کمترین مجازات برای کودک استفاده می‌کنند. این والدین ممکن است بسیار خونگرم و پذیرا یا بی‌دقت و هوایی باشند، بنابراین انتظار می‌رود که در سبک فرزندپروری آزادگذار کودک به دلیل عدم اعتقاد به حمایت والدین، اعتماد به نفس و عزت نفس کمتری داشته باشد و توانایی برقراری ارتباط کمتری داشته باشد.

همچنین نتایج نشان داد روان‌آورده‌خویی قادر به پیش‌بینی متغیر نافرمانی مقابله‌ای به صورت مثبت و معنادار هستند؛ متغیر برون‌گرایی و سازش‌پذیری نیز توانستند از تغییرات نافرمانی مقابله‌ای را به صورت منفی و معناداری پیش‌بینی نماید. همسو با این یافته‌ها، نتایج نجمی و حسن‌زاده (۱۳۸۹) نشان داد اختلالات اضطرابی کودک با صفات پرخاشگری، انعطاف‌پذیری، تلاش برای موفقیت، خویش‌داری، احتیاط در تصمیم‌گیری و نمره‌ی کل آزمون والدین و اختلالات خلقی کودک با صفات نوع‌دوستی، نظم و ترتیب، تلاش برای موفقیت و احتیاط در

تصمیم‌گیری و اختلالات رفتار آشفته‌ی کودک با هیجان مثبت، تخیل، احساسات، تلاش برای موفقیت و نمره کل آزمون والدین و اختلال دفعی کودک با صفت خویشتن‌داری والدین ارتباط معنی‌دار داشت. در تفسیر یافته‌ها، باید به نقش الگوسازی و تقلید در طول زندگی بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی توجه شود. پایداری ویژگی‌های شخصیتی طی سال‌ها زمینه را برای یادگیری کودکان فراهم می‌کند. والدین وظیفه شناس و مسئولیت‌پذیر همچنین ممکن است فرزندان داشته باشند که از نظر ژنتیکی مستعد مسئولیت‌پذیری هستند، که این خود منجر به سازگاری اجتماعی در آنها می‌شود. علاوه بر تأثیر الگوسازی، باید به زمانی که هر یک از والدین در رابطه با فرزندان صرف کرده‌اند نیز توجه داشت. در مورد نقش تعامل، باید در نظر داشت که معمولاً تغییر نقش‌ها، بازسازی سلسله مراتب قدرت و روش‌های جدید برقراری ارتباط با یکدیگر می‌تواند چرخه معیوب روابط را به شدت شکسته و از شدت مشکلات رفتاری بکاهد. با این حال، گاهی اوقات ویژگی‌های شخصیتی یا آسیب‌شناسی روانی والدین مانع این امر می‌شود. هنگامی که کودک از مهارت‌های یادگیری و شایستگی اجتماعی محروم می‌شود، احساس عدم کفایت و بی‌کفایتی می‌کند، که این خود عوارضی را به همراه دارد. شواهد نشان می‌دهد که والدین می‌توانند در انجام کارهای رشد به فرزندان خود کمک کنند و همچنین می‌توانند سهواً از انجام آنها جلوگیری کنند.

نتایج بعدی پژوهش نشان داد نگرانی درباره اشتباهات، شک درباره اعمال، انتقادگری والدینی و استانداردهای شخصی به صورت مثبت و معنادار قادر به پیش‌بینی متغیر نافرمانی مقابله‌ای هستند. همسو با این یافته‌ها عبدخدائی و ایزانلو (۱۳۹۰) نشان دادند که کمال‌گرایی خود مختار در تعامل با استرس اجتماعی است همچنین همسو با این یافته‌ها نجمی و حسن زاده (۱۳۸۹) نشان داد اختلالات اضطرابی کودک با صفات پرخاشگری، انعطاف‌پذیری، تلاش برای موفقیت، خویشتن‌داری، احتیاط در تصمیم‌گیری و نمره‌ی کل آزمون والدین و اختلالات خلقی کودک با صفات نوع‌دوستی، نظم و ترتیب، تلاش برای موفقیت و احتیاط در تصمیم‌گیری و اختلالات رفتار آشفته‌ی کودک با هیجان مثبت، تخیل، احساسات، تلاش برای موفقیت و نمره‌ی کل آزمون والدین و اختلال دفعی کودک با صفت خویشتن‌داری والدین ارتباط معنی‌دار داشت. کاکاوند و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسید که کمال‌گرایی با افسردگی رابطه مثبت و با عملکرد تحصیلی رابطه منفی دارد. در تبیین این یافته‌ها باید گفت انتظارات نامناسب والدین از کودک، اضطراب کودک را پیش‌بینی می‌کند. والدینی که در این مقیاس نمره بیشتری می‌گیرند، چند ویژگی را منعکس می‌کنند: انتظاراتی فراتر از توانایی‌های متناسب با رشد کودک دارند به دستور دادن و کنترل کردن کودک تمایل دارند نسبت به رشد طبیعی کودک دانش اندکی دارند یا دانشی ندارند. فرض شده است والدینی که انتظارات بالاتری از خود دارند باعث می‌شوند کودکان نسبت به شکست‌های اجتماعی بیشتر حساس شوند. این نتیجه مطابق به نظر می‌رسد با توجه به این مسئله که تحقیقات نشان داده‌اند که سبک فرزند‌پروری مستبدانه والدین و برخی رفتارهای فرزند‌پروری از قبیل فقدان محبت عاطفی، کنترل بیش از حد، حمایت بیش از حد، رفتارهای منفی والدین، طرد و انتقاد با اضطراب کودک رابطه دارد باید توجه داشت که داشتن انتظارات متناسب با توانایی‌های فرزندان همراه با حد معقولی از محبت موجب افزایش پشتکار و خودکارایی فرزندان می‌شود در صورتی که وجود اقتدار غیر منطقی

که بر اساس میل والدین به تسلط بر فرزند باشد به احساس طرد شدگی، پرخاشگری و در نهایت افسردگی و اضطراب منجر می‌شود.

پژوهش حاضر در کنار یافته‌های خود دارای محدودیت‌هایی نیز بود؛ نمونه مورد استفاده شامل مادران دانش‌آموزان پسر دوره ابتدایی در شهر تهران بود، بنابراین، تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر سطوح کلاسی و دختران با محدودیت مواجه است. از این رو به سایر محققان پیشنهاد می‌شود برای اطمینان از نتایج، این بررسی را در سایر شهرها و مقاطع آموزشی مختلف انجام دهند. اتکای یافته‌های پژوهش به داده‌های حاصل از گزارش شخصی افراد نیز به عنوان یکی دیگر از محدودیت‌ها، قابل ذکر است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در تحقیقات بعدی از روش‌های کیفی و کمی همزمان بهره‌مند شوند. احترام و رعایت اصول اخلاقی نسبت به شرکت‌کنندگان در طول این پژوهش رعایت شد.

منابع

- اصغری شربیانی، عباس و عطادخت، اکبر. (۱۳۹۸). مقایسه عملکرد خانواده در دانش‌آموزان دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای و عادی. مجله رویش روانشناسی، ۸(۱)، ۱۷۵-۱۸۲.
- امامی پو، سوزان؛ کوشکی، شیرین و سبزمیدانی، پگاه. (۱۳۸۹). ارتباط ویژگی‌های شخصیتی و کمالگرایی با سلامت عمومی دانشجویان. مجله تحقیقات روانشناختی، ۵(۱)، ۹۸-۱۰۹.
- بیرامی، منصور و عبادی آسایش، معصومه. (۱۳۹۲). مقایسه میزان اختلال نافرمانی مقابله‌ای فرزندان با توجه به شیوه‌های فرزندپروری مادران. مجله زن و مطالعات خانواده، ۸(۱)، ۱۹-۲۰.
- پورااکبران، الهه؛ محمدی قره قوزلو، رقیه و ملاجباری، فریبا. (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با اختلال نافرمانی مقابله‌ای در نوجوانان. دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد.
- رفاهی، ژاله و طاهری، محمد. (۱۳۹۸). پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری مادران بر اساس طرحواره‌های اولیه و سبک‌های دلبستگی آنان. فصلنامه زن و جامعه، ۱۰(۱)، ۱۶۷-۱۹۵.
- ساطوریان، سیدعباس؛ طهماسیان، کارینه؛ و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). نقش ابعاد والدگری و رابطه والد و کودک در مشکلات رفتاری درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده کودکان. خانواده پژوهی، ۱۲(۴۸)، ۶۸۳-۷۰۵.
- عبداللهی بقرآبادی، قاسم. (۱۳۹۷). اثربخشی شن‌بازی درمانی در کاهش نشانگان کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای. نشریه رویش روانشناسی، ۷(۸)، ۱۶-۱.
- عبدخدایی، محمدسعید؛ مهرا، بهروز و ایزانلو، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ابعاد کمالگرایی و اضطراب پنهان در دانشجویان. پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ۱(۱)، ۴۷-۵۸.
- کاکوند، علیرضا؛ لبادی، زهرا و زارعی، شکرانه. (۱۳۹۲). رابطه بین کمالگرایی و سبک‌های شناختی در دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های دختر دبیرستان‌های شهر کرج. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۹(۲)، ۲۹-۴۹.
- نجمی، سیدبدرالدین و حسن زاده، اکبر. (۱۳۸۹). رابطه الگوی صفات شخصیتی والدین کودکان و نوجوانان ۵-۱۵ ساله مبتلا به اختلال‌های رفتاری با نوع اختلال آن‌ها. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۱۲(۲)، ۱۷-۳.

- Calub, C. A. Rapport, M. D. & Alexander, K. (2020). Reducing Aggression Using a Multimodal Cognitive Behavioral Treatment Approach: A Case Study of a Preschooler with Oppositional Defiant Disorder. *Clinical Case Studies*, 1534650120958069.
- Chaudhury, P. Bhattacharya, B. & Saha, P. K. (2020). Parent–Child Relationship and Marital Quality of Parents of Conduct or Oppositional Defiant Disorder and Unaffected Individuals: A Comparative Study. *Psychological Studies*, 65(2), 124-136.
- Chen, H. Lin, X. Heath, M. A. & Ding, W. (2020). Family violence and oppositional defiant disorder symptoms in Chinese children: The role of parental alienation and child emotion regulation. *Child & Family Social Work*, 25(4), 964-972.
- Craig, S. G. Hernandez, C. S. Moretti, M. M. & Pepler, D. J. (2020). The Mediational Effect of Affect Dysregulation on the Association Between Attachment to Parents and Oppositional Defiant Disorder Symptoms in Adolescents. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-11.
- de la Osa, N. Penelo, E. Navarro, J. B. Trepas, E. & Ezpeleta, L. (2019). Prevalence, comorbidity, functioning and long-term effects of subthreshold oppositional defiant disorder in a community sample of preschoolers. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 28(10), 1385-1393.
- Déry, M. Lapalme, M. Jagiellowicz, J. Poirier, M. Temcheff, C. & Toupin, J. (2017). Predicting depression and anxiety from oppositional defiant disorder symptoms in elementary school-age girls and boys with conduct problems. *Child Psychiatry & Human Development*, 48(1), 53-62.
- Gadow KD, Sparfkin J. *Child symptom inventories manual*. Story brook, NY: Chechmate plus; 1994, pp:21-35
- Gomez, R. & Stavropoulos, V. (2019). Oppositional Defiant Disorder Dimensions: Associations with Traits of the Multidimensional Personality Model among Adults. *Psychiatric Quarterly*, 90(4), 777-792.
- Grayson P, Carlson GA. The utility of a DSM-III-R-based checklist in screening child psychiatric patients. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry*. 1991; 30(4): 669–673
- He, T. Su, J. Jiang, Y. Qin, S. Chi, P. & Lin, X. (2020). Parenting Stress and Depressive Symptoms Among Chinese Parents of Children with and Without Oppositional Defiant Disorder: A Three-Wave Longitudinal Study. *Child Psychiatry & Human Development*, 1-13.
- Liu, X. Lin, X. Zhou, Q. Zhou, N. Li, Y. & Lin, D. (2017). Family and individual risk and protective factors of depression among Chinese migrant children with oppositional defiant disorder symptoms. *Frontiers in psychology*, 8, 508.
- Manti, F. Giovannone, F. & Sogos, C. (2019). Parental stress of preschool children with generalized anxiety or oppositional defiant disorder. *Frontiers in pediatrics*, 7, 415.
- Mohamadesmaiel E, Alipour A. A preliminary study on the reliability, validity and cut off points of the disorders of children symptom inventory-4 (CSI-4). *Journal of Exceptional Children*. 2002; 2(3): 239-254. [Persian]
- Welch, S. & Liperi, M. (2019). The role of attachment between caregiver and child in oppositional defiant disorder.

The prediction of oppositional defiant disorder based on parenting styles, personality traits, and parental perfectionism traits

¹R. Abdolmohammadi

²S. Taghiloo

³M. Jadidi

Abstract

The present study was to predict Oppositional Defiant Disorder based on parenting styles, personality traits and perfectionist characteristics of parents. The research method was descriptive-correlational in terms of data collection. The statistical population included all children aged 7 to 10 years in Tehran in the academic year 1398. 250 people were selected by available sampling. The research instruments were pediatric symptom questionnaires (Gadow & Sparfkin, 1994), parenting styles (Bamrind, 1991), neo-personality traits (McCray & Costa, 1992) and perfectionism (Frost et al. 1990). The reliability of the questionnaires was calculated using Cronbach's alpha method, the value of which was higher than 0.7 for all four questionnaires. Content validity was also used to test the validity of the questionnaire, for which the questionnaires were approved by the relevant experts. Data analysis was performed from questionnaires through SPSS-22 software in two descriptive and inferential sections (Pearson correlation coefficient, multiple regression). The results of data analysis showed authoritarian parenting style, 17% and psychoticism can be 24% positively and meaningfully, extroversion and adaptability variables 19% and 23% respectively negatively and meaningfully, as well as worry about mistakes, doubts about actions, parental criticism and personal standards. 13%, 24%, 34% and 28%, respectively, are able to positively and significantly predict the variable of confrontational disobedience ($P < 0.05$). Therefore, the findings of the present study, showed oppositional defiant in children is related to parenting styles, personality traits and perfectionist characteristics of parents and can be predicted by it.

Keywords: oppositional defiant, parenting styles, personality traits, perfectionism.

1. Master of Psychology, Islamic Azad University, Shahr-e-Quds Branch, Tehran, Iran azita.abd@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Astara Branch, Islamic Azad University, Astara, Iran (Corresponding Author) sadeght81@gmail.com

3. Associate Professor, Department of Psychology, Shahr-e-Quds Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran jadidi.mohsen@gmail.com